

مقدمه مترجم

مطالعه تاریخ هنر معمولاً بر اساس بررسی خود آثار هنری صورت می‌پذیرد. با دیدن مکرر آثار یا تصاویر آثار هنری و مقایسه آثار با یکدیگر می‌توان تشخیص داد که هر اثر هنری متعلق به چه عصر و تمدنی بوده، یا به طور خاص، آفریده دست کدام هنرمند است. با این حال، مشاهده تصاویر آثار هنری به تنهایی نمی‌تواند برای شناخت اتفاقات و تحولات تاریخ هنر کفایت کند. ورق زدن کتابهای هنری، بدون پیگیری روشی اصولی و نظام‌مند برای مطالعه آثار و مقایسه آنها با یکدیگر، طریق مناسبی برای شناختن عمیق آثار و تشخیص سبکهای هنری محسوب نمی‌شود. در این بین، شخص تنها می‌تواند برای بازشناسی آثار هنری به حافظه بصری خود رجوع کند. اما طریقی اصولی‌تر نیز برای مطالعه و بررسی سیر تحولات هنری در دوره‌های مختلف تاریخ هنر و تشخیص علت و ریشه‌یابی به وجود آمدن این تحولات نیز وجود دارد. حتی اگر بخواهیم این مطالعه به نحو متمرکزتر و به صورت اصولی انجام شود، می‌توانیم سیر تحولات مختلف را در روند کار جنبشهای هنری، یا کارنامه یک هنرمند یا گروه هنری خاصی دنبال کنیم. مطالعه و بررسی اصول تاریخ هنر هر چند نقد هنری نیست اما به بیننده آگاه کمک خواهد کرد تا با شناخت بهتری به نقد و بررسی آثاری که مشاهده می‌کند پردازد.

خوشبختانه معتبرترین کتابهای مرجع تاریخ هنر به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و خواننده و دانش‌پژوه ایرانی می‌تواند با مراجعه به یک یا چند کتاب، با کنار هم قرار دادن مطالبی که هر یک از نویسندگان تاریخ هنر با دیدگاه خاص خود مطرح ساخته‌اند به اطلاعاتی جامع و همه‌جانبه دست پیدا کند.

کتاب حاضر اثر چارلز آر. جنسن، استاد تاریخ هنر، است. روشی که او در

این کتاب برای مطالعه و بررسی تاریخ هنر تدوین کرده، اصولی را عرضه می‌دارد که بر اساس آنها می‌توان در مورد همه جوانب هر اثر هنری اطلاعات دقیق و صحیح کسب نمود و سپس با کنار هم قرار دادن اطلاعات موجود به یک نتیجه‌گیری کلی در مورد چند و چون آثار پرداخت و به شناخت اصولی سبکها و ویژگیهای خاص هر دوره دست یافت. بررسی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد موضوع، فرم و محتوای هر اثر هنری در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر، اصل بنیادین روشی است که او برای مطالعه و بررسی تاریخ هنر به دست می‌دهد. بر اساس اطلاعاتی که می‌توان در مورد موضوع، فرم و محتوای هر اثر هنری گرد آورد، می‌توان به شناخت دقیق و علمی آثار هنری و شناخت سبکها و روندی که تاریخ هنر طی کرده است دست یافت.

سبک نگارش این کتاب بسیار ساده و روان است و سعی شده که روش عرضه شده در ساده‌ترین صورت در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار گیرد. کتاب از سه فصل اصلی تشکیل شده است؛ فصل نخست به نحوه جمع‌آوری هر نوع اطلاعات قابل دسترس در خصوص موضوع، فرم و محتوای هر اثر اختصاص دارد و به کمک نمودارها و جدولها، سعی شده است که این روش هر چه واضح‌تر بوده عاری از نکات غامض و ثقیل باشد.

فصل دوم اختصاص دارد به عرضه روشی برای کنار هم قرار دادن اطلاعات جمع‌آوری شده با این هدف که خواننده بتواند با رسیدن به نتیجه‌گیری مطلوب، شخصاً بتواند تفسیر و توصیف از آثار مورد مطالعه خود عرضه کند.

فصل سوم کتاب یک راهنمای کلی برای نگارش یافته‌ها و تفسیر آثار عرضه می‌دارد تا بتوان نتیجه‌گیریهای لازم را به طرز صحیح و اصولی ثبت کرد.

انتهای کتاب دربر دارنده دو ضمیمه است که ضمیمه نخست به شرح مختصر عناصر بصری و اصول ترکیب‌بندی پرداخته و ضمیمه دوم حاوی تمرینهایی است برای آموختن آموخته‌های خود از مطالب کتاب.

امید است که مطالب کتاب برای هنردوستان و دانش‌پژوهان گرامی مفید باشد.

مقدمه

این کتاب کوچک با این هدف تدوین شده است که در هنگام مطالعه تاریخ هنر بتوانید در مقدار زیادی از وقت خود صرفه جویی کنید. چنانچه آثار هنری را اشیائی خاص، منحصر به فرد، و حتی اسرارآمیز بینگارید، مطالعه آثار هنری مربوط به یک دوره ۱۵ الی ۲۰ هزار ساله، عملاً کاری شاق به نظر خواهد آمد، خصوصاً اگر خود را ناگزیر ببینید که زمانی غیرقابل تصور و بسیار طولانی را برای مطالعه آن اختصاص دهید. اما اگر بیاموزید که آثار هنری را بر اساس نکات مشترکی که دارند مطالعه کنید، کارتان آسان خواهد شد. در این کتاب به جنبه‌های مشترکی توجه خواهد شد که بین آثار هنری وجود دارند.

تدوین این کتاب به صورتی است که در شروع مطالعه تاریخ هنر به دو طریق برایتان قابل استفاده باشد: اول، راهنمایی است در جهت یافتن آنچه باید در آثار هنری در پی آن باشید، تا بدین ترتیب بتوانید به بنیادی‌ترین فعالیت حوزه تاریخ هنر، یعنی جمع‌آوری اطلاعات، پردازید. دوم، خواهید آموخت که اطلاعات یافت شده و استنباطهایی را که بر اساس این اطلاعات شکل گرفته‌اند به صورت یک گزارش تهیه کنید. این نیز یکی از فعالیت‌های اساسی در حوزه تاریخ هنر است. تاریخ هنر دست کم همان قدر با کلمات سروکار دارد که با تصاویر.

این کتاب از این جهت نیز برایتان مفید خواهد بود که اصطلاحات اساسی مورد کاربرد در تاریخ هنر را تعریف می‌کند؛ همچنین، با مشخص نمودن روابطی که بین این اصطلاحات وجود دارد، انواع نگرشها و نحوه استدلال نویسندگان تاریخ هنر را شرح می‌دهد. با آموختن اینها، صاحب ساختار ذهنی جدیدی خواهید شد که به کمک آن خواهید توانست انواع گوناگون اطلاعاتی را که در درس تاریخ هنر عرضه

شده‌اند و برای انجام تکالیف تاریخ هنر ضروری به شمار می‌آیند به خاطر بسپارید. صرف نظر از اینکه تاکنون درس تاریخ هنر گذرانده باشید یا خیر، حتماً تاکنون پی برده‌اید که دامنه اطلاعاتی که این دروس دربر می‌گیرند تا چه حد متنوع و وسیع است. در نتیجه، ممکن است شما هم، مانند بسیاری از دانشجویانی که شاگرد من بوده‌اند، در مورد مطالعه تاریخ هنر دچار دودلیهایی باشید. در اینجا بهتر است به برخی از این تردیدها پردازیم. دانشجویان در مورد تاریخ هنر عقایدی از این دست دارند:

«مطالب آن بسیار بیگانه و مربوط به زمانهای بسیار دور است»

در واقع، می‌خواهند بگویند: «این به زندگی روزمره من ربطی ندارد». آیا واقعاً فکر می‌کنید که چنین باشد؟ اما فراموش نکنید که هر آنچه را با چشم خود می‌بینید بر نحوه احساس، تفکر و رفتار شما تأثیر می‌گذارد. دست‌اندرکاران امور تبلیغات بیش از یک قرن است که از این واقعیت به نفع خود استفاده کرده‌اند. اما جالب اینجاست که تمام آن ترندهایی که آنان در مطالب چاپ شده، بر سطح تخته اعلانات و بر صفحه تلویزیون به کار می‌بندند، نخست در یکی از برگهای تاریخ هنر آغاز شده است. مطالعه تاریخ هنر باعث می‌شود که به انگیزه و هدف تبلیغات آگاه‌تر شوید و در نتیجه مصرف‌کننده هشیارتری باشید. مهم‌تر آنکه، با آموختن نحوه درک معنای یک شیء هنری، به ساختن الگوهایی از تفکر و احساس خواهید پرداخت که برای معنا بخشیدن به هر تجربه‌ای مفیدند. هرچه باشد، آثار هنری اشیائی نیستند که فقط برای تماشا کردن باشند، بلکه می‌توانند تجارب جدیدی را وارد زندگی‌تان سازند. یافتن آگاهی بیشتر به جهان مرئی و پرداختن به تفسیر و کشف معناها عادهای ذهنی‌ای هستند که می‌توانند در موقعیتهای روزمره نیز به کار آیند.

«مطالعه تاریخ هنر انتظار ما را برآورده نمی‌سازد»

«در این مباحث هیچ‌گاه در مورد نحوه لذت بردن از هنر حرفی به میان نمی‌آید. یا نکات برجسته آن، مورد تجزیه و تحلیل واقع نمی‌شوند.» این حرف تا حد زیادی

صحیح است. اما فراموش نکنیم که هدف تاریخ هنر، لذت بردن از آثار هنری نیست (این مربوط می‌شود به حوزه ادراک و لذت از هنر^۱)، یا سنجیدن کیفیت اثر هنری هم نیست (این نیز مربوط می‌شود به نقد هنری). تاریخ هنر دانسته‌هایی است که از آثار هنری داریم و این دانسته‌ها بیش از هر چیز دیگر به مثابه منابع اطلاعاتی در نظر گرفته می‌شوند. اطلاعات در خصوص آثار هنری، زمان آفرینش آنها و آفرینندگان آنها، به ادراکی منتهی می‌شود که می‌تواند قدرت ادراک و لذت بردن از آثار هنری را تقویت کرده به نقد کیفیات هنری کمک کند. کنار گذاشتن موقت تمایل به لذت بردن از هنر، و همین‌طور نظرگاههای شخصی، کار دشواری است؛ با این حال، احساس رضایت حاصل از رسیدن به قضاوت‌های صحیح و معتبر در مورد آثار هنری و همین‌طور لذت کشف ایده‌ها، و دستیابی به بینشهای جدید و حل اسرار مکنون، باعث می‌شود که دشواریهای مطالعه تاریخ هنر به زحمت تجربه کردنش بیرزد. جستجو برای امور پرمعنا به اندازه یافتن چیزهای لذت‌بخش، مفید و نتیجه‌بخش است.

«مسائل مطرح شده بیش از حد بیگانه و غریب‌اند»

«در مورد هنر هیچ چیز نمی‌دانم». مطمئنید؟ هر کسی که تا به حال چیزی ساخته باشد، دارای مقداری اطلاعات عملی در مورد هنر است. تعریف هنر هر قدر هم که کار دشواری باشد، باز پدیده‌ای است که محصول دست، چشم و ذهن انسان، و تجارب انسانی است. بنابراین تمام معلوماتی که در مورد چگونگی ساخته شدن اشیاء به دست می‌آورد و همین‌طور شناخت شما از قوانین طبیعی حاکم بر دنیا، برای درک هنر مفید است. به طور کلی، برخلاف تصورتان، هنر پدیده چندان عجیبی نیست (و شاید بیش از آنچه فکر کنید، وحشی است). البته هر چند تجربه انسان پیش‌زمینه کلی لازم برای درک هنر محسوب می‌شود، بعضی آثار هنری خاص غالباً محدودیتهای تجاربمان را به ما نشان می‌دهند، به ویژه اگر ساخت آثار هنری در

زمان و مکانی جدا از زمان و مکان ما صورت پذیرفته باشد؛ که در این صورت می‌تواند برای ارزشها، باورها و نگرشهایمان، دیدگاههای جدیدی فراهم کنند. بنابراین، با دستیابی به شناخت بیشتر از هنر، خود و دیگران را بهتر خواهید شناخت.

«مسائلی که مطرح می‌شوند بیش از اندازه ذهنی و درونی‌اند»

«در هنر، تنها چیزهایی را می‌یابید که دوست دارید.» این حرف هم درست است و هم نادرست. درست از آن جهت که آثار هنری مطالب زیادی به انسانهای مختلف بازگو می‌کنند. حتی خود نویسندگان تاریخ هنر، در مورد همه چیز متفق‌القول نیستند. اما این تصور که هنر تنها با امور ذهنی سروکار دارد، اشتباه محض است. نویسندگان تاریخ هنر در مورد بسیاری از جنبه‌های آثار هنری، تا حد زیادی با یکدیگر اتفاق نظر دارند، از جمله در مورد چگونگی ساخته شدن این آثار، ویژگیهای ظاهری‌شان، و در اغلب موارد، زمان و مکان ساخته شدنشان. این قبیل حقایق عینی بصری و محیطی، تعداد تفسیرهای ممکن را تا حد تطابق آنها با حقایق و اطلاعات موجود، محدود می‌کند. هرچند همین هم باز گستره وسیعی از تفسیرهای ممکن را باقی می‌گذارد، اما در نهایت تنها آن تعداد محدودی که مطابق با حقایق هستند به یک درک عینی از آثار هنری می‌انجامند.

«کار بسیار زیاد است و وقت بسیار کم»

صحیح است. با اقیانوسی از اطلاعات روبه‌رو هستید که حدود ۲۰ هزار سال تاریخ بشری را دربر می‌گیرد و شامل ۹۰ ساعت کلاس طی دو ترم دانشگاهی می‌شود. کتاب تاریخ هنری که در دست دارید قطور و گران است و شما علاوه بر ملزم بودن به مرور همه مطالب آن، تصاویر و مفاهیم بی‌شماری را باید به ذهن بسپارید، که همه اینها کاری طاقت‌فرساست. اما با دیدن آن کتاب قطور به یاد داشته باشید که حجیم بودن مطالب آن بیشتر به دلیل تعداد زیاد تصاویر آن و شرح و توضیحات آن تصاویر است. اما اگر پیاموزید که این تفسیرها را خودتان انجام بدهید، خواهید دید

که بخش اعظم متن کتاب، تنها وسیله‌ای خواهد بود برای مرور مطالب مهم‌تر و لازم نیست همه مطالب را به حافظه بسپارید. وانگهی، در تاریخ هنر اصول متداولی وجود دارد که به شناخت و ادراک هزاران تصویر و مفهوم موجود کمک خواهد کرد. این قواعد را بیاموزید. با آموختن این قواعد و تلفیق این دانش به دانش تجربی خودتان، خواهید دید که به‌خاطر سپردن نکات و مفاهیم آسان‌تر خواهد شد.